

عنوان مقاله:

نسبت بین فرهنگ سیاسی با افول جریان اصلاحات در ایران

محل انتشار:

دومین کنفرانس بین المللی علوم انسانی با رویکرد بومی - اسلامی و با تاکید بر پژوهش های نوین (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسنده:

اکرم السادات ذالنوری - دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی از دانشگاه رازی کرمانشاه

خلاصه مقاله:

در این مقاله در پی آن هستیم تا با استفاده از چارچوب تحلیلی فرهنگ سیاسی به بررسی افول جریان اصلاحات (1384-13764831) (درايران بپردازيم . براساس رویکرد فرهنگ سیاسی که رویکرد مد نظر در این مقاله می باشد سقوط و افول بسیاری از نخبگان سیاسی در ساختار قدرت ایران رامی توان ناشی از ایجاد فاصله بین فرهنگ سیاسی توده ها و گروههای های اجتماعی نخبگان دانست . فرهنگ سیاسی عبارتست از ایستار های افراد نسبت به سیاست که بر اعمال سیاسی آنان تاثیر می گذارد و این ایستار متأثر از تفکر عوام ، نخبگان ، شرایط ملی و ساخت سیاسی می باشد . بر اساس نگرش افراد به سیاست نوع فرهنگ سیاسی عوض می شود . هرچه فرهنگ سیاسی مدنی تر باشد توسعه و اصلاحات بیشتر خواهد بود . در این مقاله فرض بر آن است که نوع فرهنگ سیاسی عوام اجازه ی اصلاحات گسترده را به جریان اصلاح طلبی طی سالهای 1376-1384 نداده و افول آن - را رقم زده است . بنابراین با استفاده از این چارچوب و با بررسی ویژگی های فرهنگ سیاسی در ایران و نیز بررسی فرهنگ سیاسی عوام در جمهوری اسلامی و فرهنگ سیاسی نخبگان اصلاحات به دنبال آن هستیم تا گسست و چالش بین فرهنگ سیاسی نخبگان اصلاحات و فرهنگ سیاسی عوام را مورد بررسی قرار دهیم و روشن نماییم که گسست بین فرهنگ سیاسی توده ی عام و فرهنگ سیاسی نخبگان اصلاحات ، منجر به افول جریان اصلاح طلبی در سال های مورد بررسی در این پژوهش - گردیده است .

کلمات کلیدی:

فرهنگ سیاسی- جریان اصلاحات دوم خرداد - نخبگان- عوام

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/649955>

